یک کتاب مهم یا سروده های باباطاهر همدانی

فتحی، نصرت الله

این کتاب قدری بزرگتر از قطع وزیری و در حدود 400 صفحه است‏ با جلد مرغوبی و کاغذ ویژه که چشم خواننده را خسته نمی‏کند،روی جلد نگارندهء باباطاهر عمل نقاش نقطه‏پرداز مشهور دوره ناصر الدین شاه موسوم به‏ «اسمعیل جلایر»قرار دارد این نقاش زبردست بابای همدان را با چهره و جسم نزدیک به باوریدن درحالی که نشسته و زانوان را در آغوش کشیده و با چشم- های روی هم افتاده طوری نشان داده است که حال مراقبه و مکاشفه او کاملا نمایان است...

اما ارزش کتاب وقتی معلوم میشود که مؤلف پژوهشگر آن تحت عنوان‏ سرآغاز یا«رازها و ریزه‏کاریها»شروع به سخن گفتن مینماید و زحمات و مشقات خود را که در مدت 20 ماه متحمل شده است میشمارد و نخست می‏گوید که اقدام به این امر مهم از یک تصادف و برخورد عادی آغاز گردیده و همان‏ هم الهام‏بخش او شده که بد از مطالعه قدم در این راه گذارده است،راهی‏ که بس طولانی بوده و در بادی امر بنظر مؤلف کوتاه مینموده است،بمصداق‏ «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها».

در این راه‏پیمائی است که در هر قدمی و در هر اقدامی از یاوری کنند- گان جای خود،جای سپاس میگذارد بالحن شیرین فارسی خود قدر می‏شناسد که در اینجا با زبان خودش حرف میزنم«روزی با دوستی بخانه‏ استاد مینوی رفتم،بزرگمردی را دیدم وارسته و خوش برخورد و فروتن و مهربان که نشانه بزرگواری و فروغ دانش از چهره و گفتارش نمایان بود و بمحض فهمیدن مطلب من چنین و چنان کرد..«مؤلف در این سیر سلوک‏ و گشت وگذار با افراد متعدد برخورد می‏کند و به جاهای متفرق مراجعه‏ مینماید و از اغلب آنها نیز مقضی المرام برمیگردد و از همه آنها سپاسمند است.«از پرتو کمک و یاری دیگران است که رنج و کوششم به نتیجه رسیده‏ است»و نتیجه این ملاقاتها دست یافتن به نسخه‏های خطی کمیاب و جنگ‏های‏ خطی و خصوصی افراد است که در این کار مثل کسی که بالای درخت کهنسالی‏ رفته از این شاخه برود و در هر شاخه نیز به شاخه‏های فرعی برسد که این‏چنین جویندگی و پویندگی از تاب و توان یک جستجوگر عاشق ساخته است‏ در این تحری و تحقیق از شهرهای دور ایران با ایشان مکاتبه میکنند و حتی از شهرهای اروپا و دانشگاههای آنها از قبیل دانشگاه پاریس به او نامه‏ میرسد و کارها چنان یکی بعد از دیگری برایش آسان میگردد که گویا روح‏ عارف بزرگ همدان در اقتفای او است و مشکلاتش را حل و فصل مینماید که‏ عکسها و میکرو فیلم‏ها و فتوکپی‏ها یکی بعد از دیگری برایش میرسد.

اینک که کتاب را مورد مطالعه قرار میدهیم میبینیم مشکلترین کار مؤلف بدست‏ آوردن مأخذ تاریخی و کتب مربوط به این موضوع بوده که بتواند سرگذشت‏ بابای عریان را از هزار سال قبل روشن کند،زیرا آمدن و رفتن درویش‏ وارسته‏ای چون بابای همدان که همواره از تظاهر گریزان است.همچون‏ واقعه پرسروصدای آمدن اسکندر مقدونی به شرق نبوده که در تمام تواریخ باشد و برای او کتابهای جداگانه منظوم و منثور بوجود آید بلکه باید سرگذشت‏ باباها و دیوژنها را با تمام عظمتی که داشته‏اند در حاشیه کتابها و جنگهای‏ خطی و سایر مأخذ کمیاب بدست آورد،این قبیل افراد که اوتاد زمان هستند بمانند مرغ حق میباشند که آوایشان هست ولی خودشان دیده نمیشوند،و کار مؤلف در حق بابای همدان شبیه پیدا کردن مرغ حق بوده است که بس‏ مشکل می‏باشد..برای راه یافتن به این مرغ حق است که دست مؤلف‏ گاهی صدها فرسنگ دراز میشود تا میتواند فلان نسخه خطی هشتصد سال قبل‏ را از کتابخانه ملی پاریس با پرداخت هزینه فیلم‏برداری و غیره بدست بیاورد گاهی بعضی از این مدارک دیر میرسد یا دیرتر ترجمه میشود موجب بدحالی‏ مؤلف می‏گردد ولی بلافاصله غم بدل خود راه نمی‏دهد و خوشحال می‏نماید که«پس از گذشتن پانصد سال عمل او باعث شده است که آن نسخه بکشور موطن خود بازگردد.» خلاصه آن‏که جستجوی مؤلف از مطالعه مأخذ و مدارک نزدیک بزمان‏ زندگی بابا آغاز گردیده و تا زمان حاضر ادامه مییابد که خود مؤلف مزبور در این‏باره چنین می‏نویسد«پیداست که استاد روشندل در زمان خودش سروده- هایش را گردآوری نکرده و به پیکره دیوان شعر نیاورده است و ازاین‏رو اشعار او در نسخه‏های قدیم پراکنده و نایکنواخت بدست می‏آید اما بتدریج که به‏ زمان ما نزدیک میشود تعداد سروده‏هایش زیادتر است و گویا اشعار دیگران‏ نیز بنام بابای همدان ضبط شده است و روی این اصل ما بتعدادی نزدیک به‏ 520 دو بیتی و مقداری غزل و سه بیتی و هفت بیتی بنام بابا برمیخوریم که‏ از میان آنها پس از سنجش‏ها و دریافتها 128 عدد را که دارای پایه و مایه و پیشینه دیرینه هست و رنگ و بوی شیوه پهلوی دارد از دو بیتی‏ها برمیگزینیم‏

«درخصوص شرح حال بابای عریان»

مؤلف ارجمند به نوشته‏های کتبی که او را پاکمرد لخت و گرسنه و گوشه‏ گیر نشان میدهند و می‏نویسند در بالای کوه الوند میزیسته و به نیایش خدا می‏ پرداخته و ضمنا کارهای شگفت‏آوری هم از خود نمایان می‏ساخته است اتکاء و اکتفا نمی‏کند،بلکه بعد از مرور در همهء آن روایات بهتر آن می‏داند که‏ از روی سروده‏ها1و آثار خودش او را بشناساند و این طریقه را با خرد و دانش سازگار می‏یابد و زندگانی او را به دو دورهء جوانی و پیری تقسیم میکند و هریک را درجای خود باقتضای سن و طبیعت وجودی او روشن میسازد و میگوید: وقتی جوان است و طلبه روشن‏بین و پاکدل،در عشق دختر لری بنام‏ فاطمه می‏سوزد و می‏گدازد و چنین مینوازد:

نسیمی کز بن آن کاکل آیه‏ مرا خوشتر زبوی سنبل آیه‏ چو شب گیرم خیالت را در آغوش‏ سحر از بسترم بوی گل آیه

و لیکن زمانی میرسد که بسن و کهولت می‏نشیند و آزمایشهای طبیعت‏ را می‏بیند و به ریاضت کشیده می‏شود و سینه صاف و صیقل شده مییابد و در یک‏ کلمه با آفرینندهء جهان همبستگی پیدا میکند از ته دل ندا درمیدهد:

خوشا آنان که اللّه یارشان بی‏ به حمد و قل هو اللّه کارشان بی‏ خوشا آنان که دائم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی

درواقع مؤلف او را مادرزاد صاحب علم لدنی و معجزات و کرامات نمی‏ داند و از خرد یاری می‏جوید و قدم بقدم با بابا گام برمی‏دارد تا میرسد به‏ ماجرای ملاقات او با شاه خوشین که گفتی اسکندر با دیوجانس ملاقات می‏کند. انشاء کتاب بسیار ساده و روان و همه فهم و با فارسی سره است و دور از قلمبه‏پردازی و عربی‏پردازی که با این سبک که خاص خود مؤلف است در تمام 400 صفحه خواننده را سرگرم کشف مشهود و تحلیل و تفسیر می‏نماید بدانگونه که معلم مجربی به نوآموزان درس میدهد و در پایان کتاب خوانندگان‏ را از خود راضی میکند و این خود توفیق جبری است که عاید مؤلف شده است. (1)-نگارنده نیز دربارهء شاعر عارف دورهء فتحعلی شاه قاجار که موسوم‏ به«مستی»بود این کار را کرده‏ام زیرا وقتی دیوان خطی و منحصر بفرد او بدستم‏ رسید اول و آخرش افتاده بود اما من ناچار شدم با دو بار خواندن دیوان 400 صفحهء سرگذشت او را با نام و نشان و غیره‏اش در بیست صفحه قطع رحلی بدست آورم.